

تبیین اجمالی تربیت اخلاقی از دیدگاه امام جعفر صادق (ع)

ستاره موسوی^۱: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان

دکتر علی قاسم پور: عضو هیات علمی و ریاست دانشگاه پیام نور شهر رضا

شکوفه رضازاده: دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی

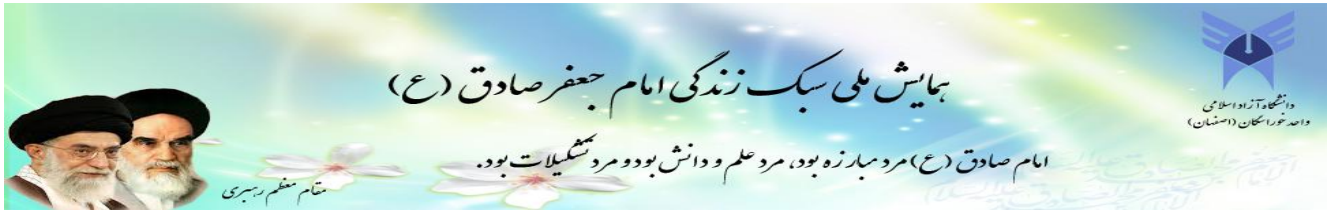
چکیده

آدمی از آغاز تا پایان زندگی خویش بطور فطری به ارزش های اخلاق گرایش دارد و شخصیت وی همواره با معیار فضایل و ردای بل اخلاقی محک می خورد و هر کس در این سنجش به امتیاز بالاتری دست یابد در خاطر مردمان و نزد خدای خود جایگاه رفیع و ارزشمند خواهد داشت. بدین جهت پیام آوران الهی در طول تاریخ بشریت با فراخونی امت ها به پرستش یگانه آفریدگار جهان، با تکیه بر ارزش های اصلی اخلاقی در همه ابعاد زندگی انسان را به رشد و رویش رهنمود می ساختند از همین سلسله سفیران الهی، پیام آور اسلام است که علت برانگیخته شدن خود را اتمام و اکمال سجایای اخلاقی بر می شمارد. یکی از این مربیان بزرگ الهی امام صادق (ع) می باشد، ایشان در زمانی می زیسته اند که یک نهضت عظیم فکری و علمی و فرهنگی در میان مسلمین پیداشد که نحله ها و مذهب ها در اصول دین و فروع دین به وجود آمد. و مسلمانان در این زمان محور فتنه های علم و فرهنگ شدند. حتی بسیاری از متفکران غیرمسلمان نیز برای مذاکره علمی با امام به خدمت می رسیدند و حضرت به میزان سطح درک و علمشان پاسخ می گفتند. آن امام در این فرصت توانست وسیع ترین دانشگاه اسلامی را پی ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورد، به طوری که حدود ۴ هزار نفر از مجلس درس او با واسطه و بدون واسطه استفاده می کردند و بسیاری از آنان به مقامات عالی علمی و فقهی نایل شدند. امام صادق (ع) توسط شاگردانش دستورالعمل های فردی، اخلاقی، اجتماعی و تربیتی را به مسلمان آموزش داد. از نظر امام صادق (ع)، نیاز به اخلاق یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد، و تنها نزدیکی به خداوند شرط اساسی آن است.

واژگان کلیدی: امام جعفر صادق (ع)، تربیت اخلاقی.

مقدمه

^۱ - نویسنده مسئول: Email: setarehmousavi@gmail.com



بایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

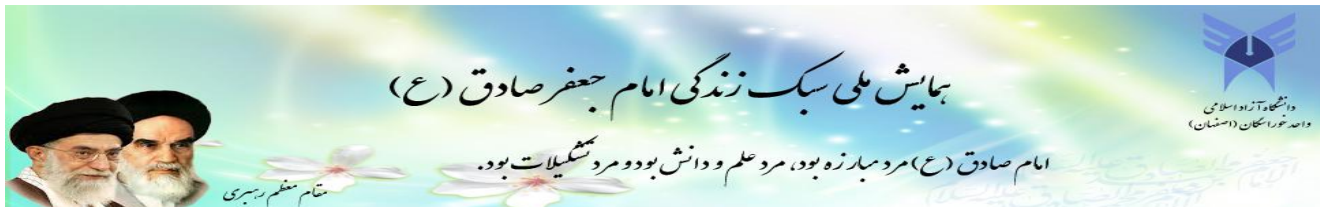
مقام معظم رهبری

لغزش ها و خطاها و گناهان در ساحت وجودی امامان معصوم (ع) راه نیافت و از این رو اقیانوس بیکران فضایل اخلاقی و معنوی آنها گسترده تر از گستره دید هر بیننده و عمیق تر از نظرگاه هر اندیشه و بالاتر از هر حوزه معرفتی هر خردمند بود. فلسفه وجودی آنها به عنوان رهبران الهی همین بود که گل های باغ پیامبران را به بار بنشانند و فلسفه بعثت پیامبران را تحقق بخشند. از این رو آنها از هر وسیله تبلیغی که در اختیار داشتند و از هر فرصتی که پیش می آمد و از هر شرایطی که مساعد می گردید به نحو کامل استفاده نموده و برای تعالی، تربیت جامعه می - کوشیدند تا افراد را به صورت فردی و جامعه را به صورت جمعی به سوی فضایل اخلاقی و عبادت پروردگار رهنمون سازند (وائقی زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۷، به نقل از نیلی پور، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۹).

تربیت اخلاقی "از مهم ترین اهداف بعثت انبیاء بوده و جایگاه ویژه ای در فرهنگ اسلامی، بویژه سیره معصومین (ع) دارد" (بنار، ۱۳۷۹، ص ۵۴۰). همچنین، "موضوعی میانه رشته ای است که از یک سو، با روان شناسی و از سوی دیگر با علوم تربیتی و اخلاق ارتباط دارد. علم اخلاق ارزش های مقبول را در اختیار تربیت اخلاقی قرار می دهد و به او می گوید چه ارزشهایی را باید به دانش آموزان بیاموزد و علوم تربیتی اصول و روش های عام تربیت را در اختیار این موضوع قرار می دهد. تربیت اخلاقی در آثار مسلمانان، بخشی از علم اخلاق بوده است و در ضمن آن مطرح می شده است. به همین جهت به عنوان رشته ای مستقل مفهومی نسبتاً تازه است" (داودی، ۱۳۸۸، ص ۱۸). در بحث تربیت اخلاقی، دو حیطه مهم "تربیت" و "اخلاق" به عنوان دو رکن در تربیت اخلاقی، مورد مطالعه قرار می گیرد. از این رو تربیت اخلاقی حیطه ای است که وام دار دو حوزه "اخلاق" و "تربیت است"؛ به این بیان که در رکن اول، از اخلاق و در رکن دوم از تربیت مدد می جوید و از آنجا که در اخلاق بیش ترین تأکید بر خودسازی و تربیت بر دیگرسازی است، تربیت اخلاقی نیز خودسازی و دیگرسازی را شامل می شود (بناری، ۱۳۷۹، ص ۵۴۰).

اخلاق جمع خُلق و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسانی است که تنها بادیده بصیرت و غیر ظاهر قابل درک است. همچنین "خلق" را صفت نفسانی راسخ نیز می گویند که انسان، افعال متناسب با آن صفت را بی درنگ، انجام می دهد. مثلاً فردی که دارای "خلق شجاع" است، در رویارویی با دشمن، تردید به خود راه نمی دهد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵). "راغب اصفهانی" درباره این واژه می گوید "خُلُق و خُلُق دراصل یکی هستند، لکن خُلُق به هیئات، اشکال و صورت هایی که با چشم درک می شود اختصاص یافته و خُلُق به قوا و سجایایی که بصیرت درک می شود مختص شده است" (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ ه. ق، ص ۱۵۸). بنابراین براساس دیدگاه لغت شناسان، مشخص می شود که خُلُق صفت و کیفیت درونی و ثابت در نفس انسان است و جنبه ظاهری و بیرونی ندارد و به راحتی از نفس زایل نمی گردد. ابوعلی مسکویه در کتاب "تطهیر الاعراق" می گوید:

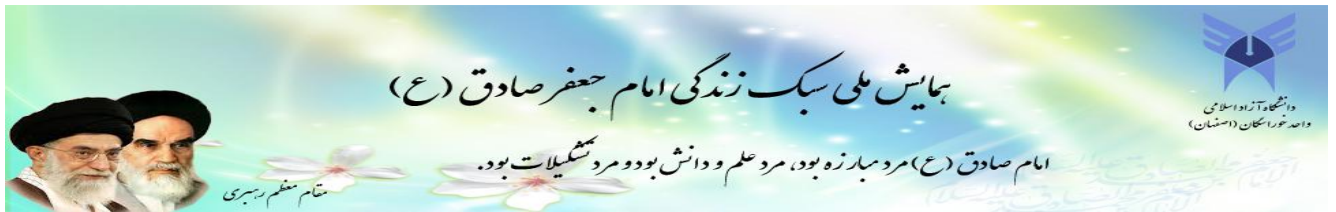
الخلق حالٌ للنفس داعیه لها الی افعالها من غیر فکر و لارویه "خُلُق حالی است برای روح و نفس انسان که او را بدون فکر و تأمل به سوی کارهایی بر می انگیزند. استاد مطهری در تعریف اخلاق می گوید: "اخلاق عبارت است از یک سلسله خصلت ها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را به عنوان اصول اخلاقی می پذیرد؛ به عبارتی دیگر، قالبی روحی برای انسان که روح انسان در آن کادر و طبق آن طرح و نقشه ساخته می شود". در واقع اخلاق چگونگی



روح انسان است (شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸). ائمه اطهار نیز به اخلاق متفاوت و ویژه داشته‌اند. چنانچه امام سجاده (ع) از خداوند تقاضا می‌کند: "برای من اخلاق نیکو و صفات پسندیده عطا فرما و مرا از فخر فروشی و به خود بالیدن نگه دار" (صحیفه سجاده، دعای ۲۰). به همین سبب، این موضوع از دیرباز در مکتب تشیع و فرهنگ اسلامی مورد توجه بوده. کسانی که از اخلاق نیکو برخوردار نیستند، همواره هستی را در قالبی مبهم و تاریک در خواهند یافت، زیرا پالایشگاه درونی آنها از تصفیه واقعیاتی که از طرف هستی به درونشان وارد می‌گردد، ناتوان است. آنان همه واقعیات هستی را عبث و بی اساس می‌بینند؛ زیرا درونشان راهوا و هوس پر کرده است. به همین جهت است که هرگز دنیا را جدی نمی‌گیرند. (شیروانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲). بی شک ارزش موضوع و اهمیت تأثیر صفات فضایل اخلاقی در سلامت معنوی فرد و جامعه و خطر از بین رفتن این سلامتی و دور ماندن از سعادت و خوشبختی با وجود صفات رذایل اخلاقی، لزوم پرداختن به این امر مهم در همه دوره‌های زندگی انسان را نمایان می‌کند. زیرا "تجربه نشان داده است که انسان خواه متدین و خواه غیر متدین هیچ گاه، حتی در دوره مدرن و پسامدرن، بی نیاز از اخلاق و تربیت اخلاقی نبوده و نیست. . . . بنابراین، اخلاق و تربیت اخلاقی نقشی بسیار مهم در سلامت روح انسان و سعادت و خوشبختی فرد و جامعه دارد، و از این جهت نیازمند توجه بیشتر است. به ویژه برای ما مسلمانان، زیرا به اندازه‌ای که در دین ما به اخلاق و تربیت اخلاقی توجه شده در ادیان و مکاتب دیگر چنان توجهی نشده است" (مظلومی، ۱۳۶۴، ص ۵۱). به ویژه که ایرانیان نیز از دیرباز، به عنوان ملتی اخلاقی مشهور بوده‌اند و تربیت اخلاقی مورد توجه مریبان و اولیاء بوده است.

روش شناسی تحقیق

پژوهش مورد نظر، از نوع کیفی است یکی از ویژگی‌های عمده ی تحقیق کیفی این است که به بررسی یک مسئله به صورت عمیق پرداخته و با تعقل، استدلال، تفکر و منطق در مورد مسئله به تجزیه و تحلیل می‌پردازد. در این روش از داده‌های آماری استفاده نمی‌شود (پژوهش‌های کیفی یک رویکرد پژوهشی است که به منظور درک و تفسیر پدیده‌های انسانی و اجتماعی به کار می‌رود و برای رسیدن به درک عمیق از پدیده مورد نظر است) پژوهش مورد نظر سعی بر تبیین روش‌های تربیت دینی بر اساس دیدگاه امام جعفر صادق (ع) دارد و بایک رویکرد درون دینی به پژوهش نظر می‌افکند. یعنی تحلیل‌ها در چهار چوب آموزه‌های دین اسلام صورت می‌پذیرد و به آموزه‌های آن متعهد و پایبند هستیم. پس بنابراین روش به کار برده شده روش توصیفی-تحلیلی خواهد بود. توصیفی از این جهت که در استخراج روش‌ها از روش استنباط استفاده می‌شود. استنباط در تحقیقات علوم اسلامی به عنوان استخراج حکم شرعی در خصوص موضوعات از ادله شرعی به ویژه قران و احادیث شناخته می‌شود. می‌توان این تعریف را با اندکی تغییر در مورد پژوهش‌های تربیتی به کار برد. استنباط در تحقیقات تربیتی به معنای استخراج حکم تربیتی در زمینه موضوعات معین با استفاده از آرای امام جعفر صادق (ع) در زمینه‌های مختلف فلسفی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی می‌باشد.

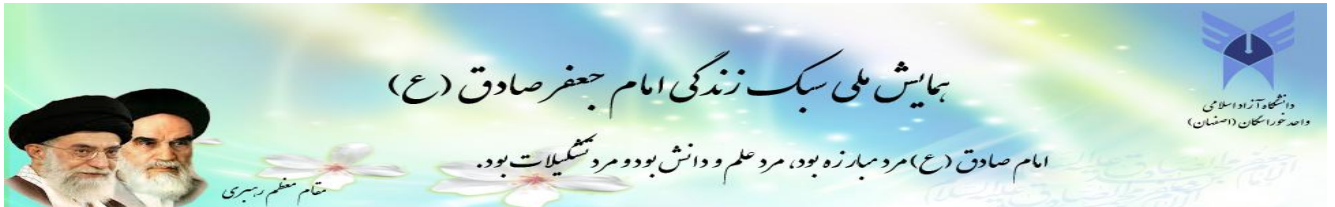


معنای لغوی و اصطلاحی اخلاق:

با توجه به صفات و خصوصیات مختلف انسانها، از قبیل شجاعت، سخاوت، امانتداری، یا بزدلی، بخل و خیانت می توان دریافت کرد که در بعضی از انسانها این صفات بگونه ای پایدار راسخ است که معمولاً کارهای متناسب و مطابق آن صفات را بدون تفکر و تأمل زیاد و بسادگی انجام می دهند و در مقابل فبعضی دیگر گاه گاهی به این صفات متصف بوده و احیاناً با تأمل در اطراف آن کار، خود را به انجام آن وادار می کنند. هرگاه صفتی برای شخصی به صورت پایدار درآمده و در او رسوخ نموده باشد به گونه ای که کارهای متناسب با آن را بدون تأمل زیاد و سهولت انجام دهد می گویند آن صفت برای او ملکه است و در صورتی که چنین نباشد بلکه صفتی زود گذر بوده، شخص در انجام کار متناسب با آن خود را به انجام آن وادار کند آن صفت را "حال" می نامند (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۱۵). خلق در لغت به معنا صفات پایدار و راسخ یعنی ملکه است که افعال بدنی مطابق اقتضای آن صفت و ملکه به آسانی و بدون نیاز به تأمل و اندیشه م با تردید از انسان سر بزند و اخلاق به مجموع این گونه صفات اطلاق می شود (ساعی، ۱۳۶۹، ص ۱۸). بنابراین تنها کسی را می توان دارای خاق سخاوت دانست که این صفات در او پایدار باشد یعنی در بخشش به دیگران تردیدی نکرده و انجام این کار برایش دشوار جلوه نکند. توجه به این نکته نیز لازم است که معنای لغوی اخلاق، اختصاصی به صفات نیکو و پسندیده نداشته شامل صفات زشت و ناپسند نیز می شود و همانطور که بعضی انسانها دارای خلق نیک سخاوتمند برخی دیگر گرفتار خلق نا پسند بخل می باشند (ساعی، ۱۳۶۹، ص ۲۰).

اخلاق، مفهوم مرتبط با شخصیت، خلق و خو، خصلت و عاداتها که رفتار انسان را در تمام جنبه های زندگی اجتماعی (کار، زندگی روزمره، سیاست، علم، خانواده، روابط شخصی، درون گروهی، درون طبقه ای) تنظیم می کند (آقا بخشی، ۱۳۷۵، ص ۳۹). اخلاق یعنی سازش با موازین، حقوق، و وظایف مشترک، مع الهذا امکان تضاد بین دو استاندارد اجتماعی مقبول وجود دارد و شخص یاد می گیرد که بر پایه وجدان فردی خود در چنین مواردی قضاوت نماید (پور افکاری، ۱۳۷۳، ص ۱۴۸). گاهی واژه اخلاق صرفاً در مورد صفات و افعال نیک و پسندیده بکار می رود مثلاً ایثارگری را صفتی اخلاقی و عمل دزد را غیر اخلاقی می نامند. تمامی صفات نفسانی که منشاء کارهای پسندیده یا ناپسند می شوند چه آن صفت به صورت پایدار و راسخ باشد و چه نا پایدار و زود گذر. طبق این اصطلاح اگر شخص بخیلی نیز بر خلاف طبیعت معمول خود، احیاناً بذل و بخشش نماید. در آن مورد دارای خلق و بخشش و سخاوت به حساب می آید؛ چنانکه کار وی را نیز کار اخلاقی مثبت و پسندیده تلقی می کنند هرچه از آن جهت که این صفت در او پایدار نیست، طبق معنای لغوی، سخاوت از اخلاق و خلقیات او شمرده نمی شود (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۱۶).

رابطه اخلاق با تربیت:

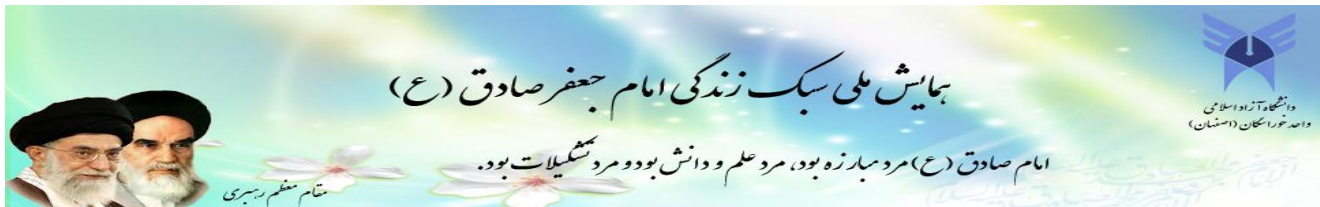


در هم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب شد که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت و اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته شود چنانکه غزالی چنین نگاشت: معنی تربیت این است که مربی، اخلاق بد را از آدمی باز ستاند و به دور اندازد و اخلاق نیکو جای آن بنهد (غزالی، ۱۳۶۸، ص ۵۳). خواجه نصیر الدین طوسی نیز چنین نوشت: تربیت صناعتی است که از طریق آن مدارج عالیّه انسانی فراهم می آید و ست ترین مراتب انسانی به کامل ترین رتبه خود می رسند (طوسی، ۱۳۶۹، ص ۱۷). از سوی دیگر، جالب است بدانیم بسیاری از صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلامی کمتر واژه تربیت را به کار برده اند و به جای آن از واژگان تعلیم، تهذیب، تزکیه، تخلق به اخلاق، تأدیب، ریاضت، تدبیر، سیایت و... بهره برده اند و این بدان جهت است که واژگان تربیت به معنای آموزش و پرورش متربی و به معنای برانگیختن و فراهم آوردن موجبات شکوفایی و رشد تمامی توانای و شئون وجودی آدمی، در گذشته اصلاً مصطلح نبوده و یا اخلاق و تربیت را آنچنان در هم تنیده می دانستند که تربیت بدون اخلاق را غیره قابل تحقق می دانستند و با این کار باور داشتند تربیت بدون پر تو افکنی اخلاق امری ناصواب و بی سرانجام است اما امروز جدا انگاری فرایند اخلاق و تربیت تردید نا پذیر است. حال برای تبیین بیشتر تفاوت‌های این دو فرایند و رابطه آنها، حوزه و قلمرو این دو فرآیند را بررسی می کنیم:

الف) تربیت فرایندی بسیار گسترده است و گستره آن به تمامی ابعاد، توانایی ها، قابلیت ها و به همه شئون وجود آدمی گسترانده شده و تمامی زمینه های وجود آدمی را در بر می گیرد اما فرایند اخلاق یکی از حیطه ها و ساختهای تربیت به شمار می آید. از این رو می توان گفت تربیت اقسام فراوانی دارد و از آن جمله: تربیت عاطفی، تربیت عرفانی، تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت جنسی، تربیت اجتماعی و... استاد مطهری در این باره می نویسد: تربیت پرورش دادن و فعلیت رساندن تمامی استعدادها و ایجاد تعادل در هماهنگی میان آنهاست از این طریق منزب به حد اعلای کمال برسد (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۹۰). و به تعبیر یکی از نویسندگان غربی، تربیت در زمینه جسم و جان و روان انسان است و تمامی زمینه های وجود او را در بر می گیرد (حجتی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۴۰).

ب) به گفته برخی از صاحب نظران، تعلیم و تربیت طی قرون متمادی تنها بر ملاحظات فلسفی و اخلاقی مبتنی بوده، امروزه نیز به رغم تسلط دانش بشر در زمینه های زیست شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی بر تعلیم و تربیت، باز این نکته آشکار تر شده که علم و دستاورد های فنی آن نه تنها کافی نیست بلکه همچنان باید ملاحظات اخلاقی و فلسفی مهم اصلی را در تعلیم و تربیت بر عهده داشته باشد. بررسی اهداف تربیت نه در صلاحیت علم و نه در حد تکنیک بلکه فقط در صلاحیت فلسفه و اخلاق است (شریعتمداری، ۱۳۸۱، ص ۸۶).

ج) فرایند تربیت با تمامی رفتار آدمی در همه ساحت و زمینه ها و با تمام اقسام و انواع آن خواه صبغه ارزشی داشته باشد و یا نه ارتباط و ثیق و عمیق دارد. در صورتی که فرایند اخلاق با رفتار آگاهانه که از سر عمد و انتخاب



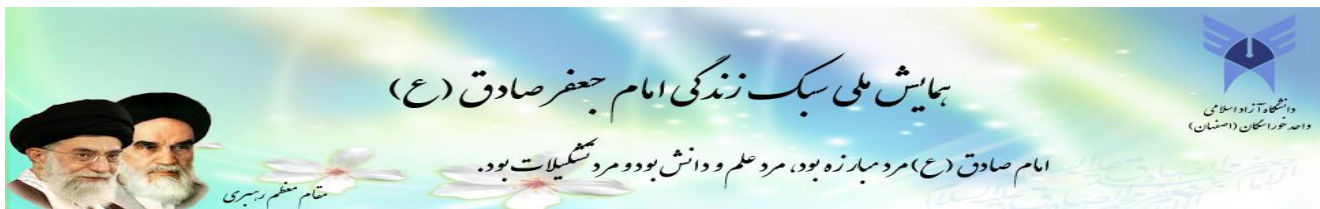
و گزینش انجام می پذیرد، صبغه ارزشی دارد و نیز با ملکات و صفات پایداری که تکرار آن رفتار ویژه موجب پیدایش آنها شده و سرکار دارد (پایکین، ترجمه مجتبوی ۱۳۶۹، ص ۷۸).

د) عالمان اخلاق، فعل اخلاقی را در برابر فعل طبیعی قرار داده اند و گفته اند فعل اخلاقی از حدود کارهای طبیعی و عادی خارج است و با آنها تفاوت دارد و کار تربیتی و فرایند تربیت علاوه بر فعل اخلاقی، فعل طبیعی و رفتار عادی را نیز زیر پوشش دارد. مقصود از فعل طبیعی آن احساس گرسنگی و خواب و استراحت را در پی خستگی و نیز فعالیتهای روز مره زندگی، پیداست در این کارها آدمی با حیوان مشترک است و کارها و نیز اندیشه ها و صفات و میل های مربوطه به این منظور جلب نفع مادی و دفع زیان مادی انجام می گیرد و به عبارت دیگر ریشه این گونه افعال سود جویی مادی است و فرایند تربیت تمامی این رفتارهای عادی و طبیعی و نیز رفتارهای اخلاقی و صفات اندیشه های مربوط به آن مختص عالم انسانی و قابل ستایش و نکوهش و ریشه آن فضیلت جوئی فطری است (پایکین، ترجمه مجتبوی، ۱۳۶۹، ص ۸۰).

بعضی حکما در تعریف خلق فرموده اند: خلق ملکه ای است نفسانی که مقتضی صدور افعال باشد از نفس، به طوری که محتاج فکر و اندیشه نباشد که گفته اند: کار نیکو کردن، از پرکردن است. و آن بر دو قسم است: طبیعی و عادی. طبیعی به "آن دسته از اخلاق انسان گفته می شود که مادرزادی با خود به همراه دارد. و اما عادی مانند کسی که در آغاز اندیشه می کند و به کثرت تکرار و تمرین عادت او می گردد به طوری که انجام آن دادن آن در دفعات بعدی برای او آسان بوده و دیگر نیازی به اندیشیدن در انجام آن ندارد بعضی از محققین معتقدند که خلق تنها به احوال و صفات طبیعی انسان، اطلاق می شود؛ و تغییر اخلاق طبیعی را در انسان غیر ممکن می دانند" (صدیق عربانی، ۱۳۸۷، ص ۷۲). در روایاتی اسحق ابن عمار از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: "خلق خوب و صفت پسندیده عطیه الهی است که خداوند جهان به بندگان خود عطا فرموده است و آن بر دو قسم است: نزد بعضی فطری و به صورت سجیه و در گروه دیگری اکتسابی و قائم به نسب و اراده است. اسحق پرسید. کدام یک نسبت به دیگری برتر دارد؟ حضرت فرمود: صفت با سرشت آدمی ترکیب شده و صاحبش به طور طبیعی نمی تواند به غیر از آن متصف باشد ولی خلق اکتسابی از راه مجاهده و برد باری به دست آمده است و هر صفت پسندیده ای که با کوشش و صبر به دست آید بر صفت طبیعی برتری دارد (الحديث وروایات تربیتی از مکتب اهل بیت، ص ۳۱). "به عقیده کانت، بشر تنها با تعلیم و تربیت، انسان تواند شد" (کاردان، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵).

تربیت اخلاقی^۲:

تربیت اخلاقی در آثار مسلمانان، بخشی از علم اخلاق بوده و در ضمن آن مطرح شده است. به همین جهت، تربیت اخلاقی بعنوان رشته ای مشتمل مفهومی نسبتاً تازه است و تا چند سال پیش، این اصطلاح در این منابع کاربرد

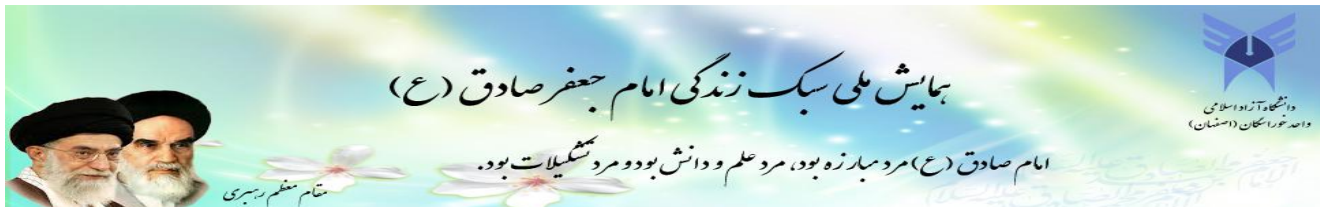


نداشت. هرچند واژه هایی مانند تهذیب اخلاق، تهذیب نفس، تزکیه و حتی تربیت به کار رفته است. حال اگر بخواهیم تربیت اخلاقی را رشته مستقل از اخلاق در نظر بگیریم و آن را بر اساس دیدگاه دانشمندان مسلمان تعریف کنیم. تربیت اخلاقی "مجموعه ای فعالیت های تربیتی به منظور از میان بردن صفتهای رذیلت و ایجاد صفتهای فضیلت" است برخی دیگر تعریف های متفاوتی از تربیت اخلاقی بدست داده اند از جمله: الف) سجادی در تعریف تربیت اخلاقی می گوید: تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی به آنچه که در مدارس و دیگر نهاد های آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آنها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می دهند اطلاق می شود (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۸). ب) فراهانی تربیت اخلاقی را چنین تعریف کرده است: آموزش رسمی ضمنی اصول و قواعد اخلاقی در داخل یا خارج از مدرسه (فرمehنی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۳۸). ج) یالجن معتقد: تربیت اخلاقی عبارت از پرورش کودک بر اساس اصول اخلاقی از راه ایجاد احساس و بصیرت اخلاقی بگونه ای که پذیرای خوبی ها و طردکننده بدی ها باشد (داودی، ۱۳۸۸، ص ۱۰). با توجه به تعاریف متعددی از تربیت اخلاقی ارائه داده شده میتوان تربیت اخلاقی را چنین تعریف کرد: تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش های اخلاقی، پرورش گرایش ها و فضیلت های اخلاقی است.

برای تربیت اخلاقی تعاریف زیادی ارائه شده است. از جمله، «مراد از تربیت اخلاقی، چگونگی به کار گیری و پرورش استعدادها و قوای درونی، برای توسعه و تثبیت صفات و رفتار های پسندیده اخلاقی و نیل به فضایل عالی اخلاقی و دوری از رذیلت ها و نابود کردن آن ها است... تربیت اخلاقی نیز بخش مهمی از علم اخلاق را تشکیل می دهد» (دیلمی، آذربایجانی، ۱۳۷۸، ص ۱۷). در تعریفی دیگر گفته شده است: «تربیت اخلاقی آموزش اصول و ارزش های اخلاقی و پرورش گرایش ها و فضیلت های اخلاقی است» (داودی، ۱۳۸۸، ص ۱۰-۱۱). «تربیت اخلاقی فرایند زمینه سازی و به کار گیری شیوه هایی برای شکوفا سازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها و آداب غیر اخلاقی، در خود انسان یا دیگری است» (بناری، ۱۳۷۹، ص ۱۸۰). تربیت اخلاقی، همچنین، «آموزش اسمی یا ضمنی اصول و قواعد اخلاقی در داخل یا خارج از مدرسه» (فرمehنی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۳۸) را شامل می شود.

تربیت اخلاقی مجموعه ای از فعالیت های تربیتی به منظور از بین بردن صفتهای رذیلت و ایجاد صفتهای فضیلت است. به عبارتی برپایه ی این تعریف، تربیت اخلاقی و ارزشی مجموعه اقداماتی است که هدفش یاری کردن افراد در مسیر کسب شناختها، گرایشها و رفتارها ی اخلاقی و ارزشی است و در نهایت میتوان گفت، تربیت اخلاقی آموزش اصول و ارزشهای اخلاقی و پرورش گرایشها و فضیلتهای اخلاقی است. در این تعریف بعد شناختی، عاطفی و رفتاری اخلاق مورد توجه قرار گرفته است و تعریفی جامع از تربیت اخلاقی است" (داوری، محمد، ۱۳۷۸).

اهمیت تربیت اخلاقی:



رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرماید: من از طرف خداوند برانگیخته شده ام که مکارم اخلاق را تتمیم و تکمیل نمایم (طبرسی، بی تا، ص ۸). نقش و مکارم اخلاق بر تعالی معنوی و هیچ کس پوشیده نیست هم چنانکه رسول گرامی اسلام (ص) نیز معرفت از بعثت خویش را تتمیم مکارم اخلاق معرفی می نماید، و اولیاء گرامی اسلام نیز برای آنکه پیروان خویش را به راه خود سازی و تزکیه نفس سوق دهند آنان را به آموختن اخلاق موظف نموده و فرا گرفتن این علم را که از پایه های اساسی سعادت اجتماع است بر سایر علوم مقدم داشته اند (فیض، ترجمه ساعدی، ۱۳۷۲، ص ۷). اهمیت اخلاق و تزکیه نفس بر کسی پوشیده نیست. اصطلاح انسانها و جوامع مختلف و نجات آنها از مشکلات و مفساد اجتماعی، جنگها و خونریزی ها... تنها در پرتو ترویج اخلاق صحیح و دعوت انسانه به آراسته شدن به فضایل اخلاقی میسر است. در قرآن کریم نیز از تزکیه بعنوان هدف از بعثت رسول خدا (ص) در کنار تعلیم کتاب و حکمت یاد شده است (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۶۵). در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی علیه السلام می خوانیم که فرمود: «لو کنا لانرجو جنه ولا نخشى ناراً ولا ثواباً ولا عقاباً لکان ینبغى لنا ان نطالب بمکارم الاخلاق فانها مما تدل علی سبیل النجاح؛ اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی داشتیم، شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم، چرا که آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند» (بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۰۵). این حدیث بخوبی نشان می دهد که فضائل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی یابد! اخلاق نیکو از مهمترین فضیلت ها برای پیشوایان دینی است این صفت نیکو در جلب دل ها و نزدیک شدن به خداوند و مردم نقش مهمی دارد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: برای مومن در روز قیامت هیچ عملی از خوش خلقی نیکوتر و محبوب تر نیست.

جایگاه تربیت اخلاقی در دین اسلام: برای اخلاق که از ریشه «خُلُق» گرفته شده، تعریفهای مختلفی ارائه شده است؛ مرحوم نراقی رحمه الله می فرماید: «الْخُلُقُ مَلَکَةٌ لِلنَّفْسِ مُقْتَضِيَةٌ لِصُدُورِ الْأَفْعَالِ بِسَهْوَةٍ مِنْ دُونِ إِحْتِیاجِ إِلَى فِکْرٍ وَرَوِيَّةٍ؛ خُلُق، یک حالت نفسانی است که موجب می شود کارها به آسانی و بدون نیاز به فکر و دقت از انسان سربرزند...» (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۴۶). "اخلاق مجموعه ای از اصول و ارزش هایی است که رفتار انسان را تنظیم می نماید، و تعالیم وحی آنها را تعیین فرموده و جهت تحقق هدف وجود انسان در کره ی خاکی، اصول و ضوابطی را برای آنها قرار داده است" (عبدالحلیم محمود، ۱۹۹۰م، ص ۸۵). مرحوم علامه طباطبائی در تعریف علم اخلاق می گوید: «علم اخلاق، فنی است که از ملکات انسانی مربوط به نیروهای نباتی و حیوانی و انسانی بحث می کند و فضایل ملکات را از رذایل آنها جدا و ممتاز می سازد تا انسان بتواند به واسطه تجلی و اتصاف به فضایل اخلاقی، سعادت عملی خود را تکمیل نماید و در نتیجه، افعال و رفتاری داشته باشد که موجب ستایش عموم و مدح جامعه انسانی گردد. البته آنچه به عنوان هدف علم اخلاق ذکر شد، به عقیده علمای اخلاق یونان بوده است؛ ولی از نظر ما هدف اخلاق اسلامی «إِبْتِغَاءِ وَجْهِ اللَّهِ» [و رسیدن به رضایت خداوندی] است نه رسیدن به مدح و ثنای اجتماعی و نه [حتی صرف رسیدن] به فضیلت و کمال انسانی..» (علامه طباطبائی، ۱۴۱۴ه، ج ۱، صص ۳۷۸-۳۷۶).
تعریف اخلاق هرچه باشد، ضرورت طرح آن در جامعه به صورت مستمر و دائمی بر هیچ کس پوشیده نیست. در

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

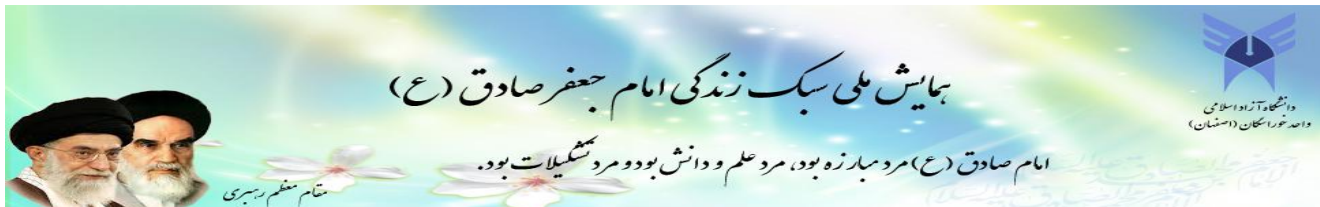
لزوم طرح آن همین بس که امام علی علیه السلام فرموده: «لَوْ كُنَّا لَا تَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَحْشَى نَارًا وَلَا نُؤَابَا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُطَالِبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ؛ (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۳) اگر ما امیدى به بهشت و ترسى از دوزخ و انتظار ثواب و عقاب نمى داشتیم، شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقى برویم؛ چرا که آنها را همنمى ای رسـتگاری هسـتند...»

از حدیث فوق به خوبى استفاده مى شود که نیاز به اخلاق یک نیاز بشرى و انسانی است و به فرد و یا جامعه دینى اختصاص ندارد. به همین جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ عَلِمَ الرَّجُلُ مَالَهُ فِي حُسْنِ الْخُلُقِ لَعَلِمَ أَنَّهُ يَحْتَاجُ أَنْ يَكُونَ لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ؛ (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶) اگر انسان بداند چه چیزى برای او در اخلاق نیک وجود دارد، حتما متوجه مى شود که او نیاز به داشتن اخلاق نیکو دارد...»

همچنین آن حضرت صلی الله علیه و آله در جای دیگر فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ صِلَةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ فَحَسْبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِخُلُقٍ مُتَّصِلٍ بِاللَّهِ؛ (مکارم شیرازى، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳) خداوند سبحان فضایل اخلاقى را وسیله ارتباط میان خود و بندگانش قرار داد. پس برای شما کافى است که هر یک از شما دست به اخلاقى بزنند که او را به خدا پیوند دهد...»

شرافت هر علم به شرافت موضوع آن بستگى دارد، از این رو علم خداشناسى که موضوع آن ذات مقدس واجب الوجود و صفات و افعال او مى باشد، اشرف علوم است. پس از اصول عقاید، دانش تربیت و اخلاق با مفهوم اسلامى اش، از نظر شرافت و جایگاه در صدر علوم و فنون قرار دارد، زیرا موضوع آن روح و نفس انسانی، یعنى «نفخه آسمانى» (سوره حج/ ۲۹) است که در کالبد خاکی دمیده شده و تکامل و شایستگی آن برای حمل بار امانت الهی عهده داری مقام «خليفة اللهی» (بقره/ ۲۰) در پرتو اتصاف به «صفات خدایی» (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۲۳) و پالایش آن از آلودگی ها میسر است. هرگاه بدین حقیقت بنگریم که خلقت انسان به منظور تکامل و رشد معنوی اوست و هدف از بعثت انبیا به ویژه رسالت خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله) تکمیل فضایل اخلاقى و فراهم کردن تجهیزات این رشد و کمال است، جایگاه تربیت و اخلاق و مقصد نهایی آن مبرهن مى گردد. در این دیدگاه، شخصیت اخلاقى، عنصر اساسى و جوهره اصلی وجود انسان را تشکیل مى دهد که هدف شرائع و برنامه های انسان سازی است، از این رو تربیت اخلاقى در صدر تعالیم و تکالیف دینى و در کنار عقاید و شرائع قرار دارد. (اصول کافى، ج ۱، ص ۳۲) و حتى برخی محققان آن را «فقه اکبر» خوانده و برحی طب روحانى نامیده اند و روایات از جایگاه بلند اخلاق و تربیت سخن گفته است.

هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «مُعَاذِبِنِ جَبَل» را جهت ابلاغ رسالت اسلام به یمن اعزام فرمود بدو توصیه کرد: «کتاب خدا را به آنان بیاموز و به اخلاق خجسته تربیتشان کن». «عَلِمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَأَحْسِنُ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ» (تحف العقول، ص ۲۵). و نیز در روایت آمده است: مؤمن با حسن اخلاق به درجه شب زنده داران و روزه داران مى رسد و «چیزى در ترازوى عمل سنگین تر از حسن اخلاق نیست» و «بر شما باد به حسن اخلاق، زیرا خلق نیکو بی چون و چرا جایگاهش بهشت است و از خوی بد بپرهیزید که خوی بد به ناچار جایگاهش دوزخ است.» و «محبوب ترین شما نزد خدا کسانی هستند که اخلاقشان نیکوتر و انعطاف پذیرتر و الفت پذیرتر



بهایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

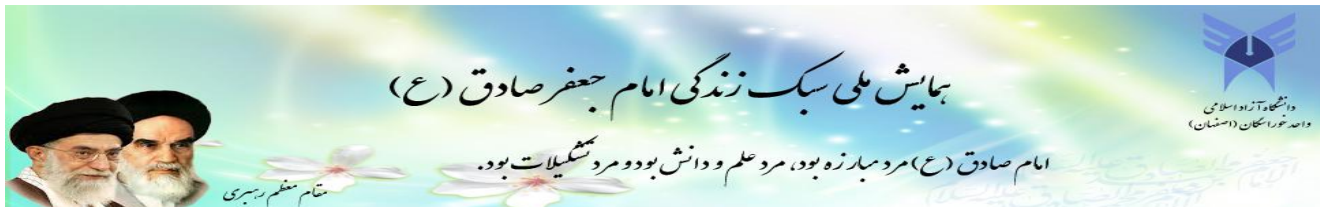
مقام معظم رهبری

باشند و منفورترین شما نزد خدا کسانی هستند که سخن چینی می کنند و در میان برادران جدایی می افکنند و از برای بی گناهان لغزش ها می تراشند.» (مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۳۳).
به طور خلاصه: متون و منابع اسلامی گواه بر این است که برنامه های اخلاقی و تربیتی از عمده ترین برنامه های این آیین انسان ساز است و اخلاق در معارف اسلامی از رتبه والایی برخوردار می باشد.
حضرت امام (رحمه الله) با اشاره به جایگاه اخلاق و تهذیب نفس در اسلام می فرماید:
«مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست، بلکه مکتب مادی - معنوی است. اسلام مادیات را در پناه معنویت قبول دارد، معنویات، اخلاق، تهذیب نفس، اسلام برای تهذیب آمده است، برای انسان سازی آمده است، همه مکتب های توحیدی برای انسان سازی آمده اند... مقصد اسلام و مقصد همه انبیا این است که انسان درست بشود، اگر انسان تربیت شد همه مسائل حل است...» (صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۶).

ارتباط بین رشته ای اخلاق و تعلیم و تربیت

علمی که اخلاق انسان را مورد بررسی قرار می دهند مختلفند و هریک از جهت خاصی با امور اخلاقی می پردازند. این علوم عبارتند از:

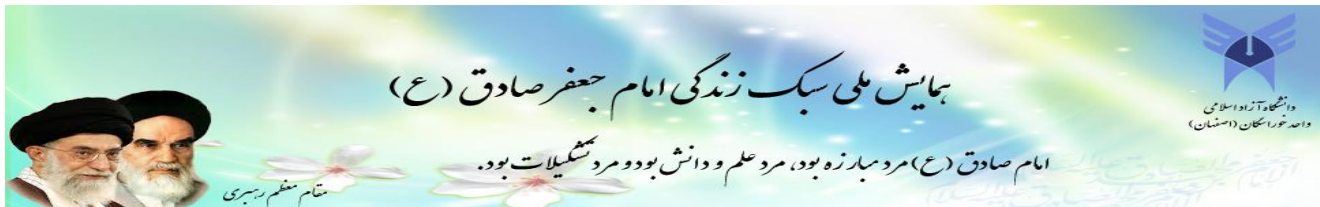
۱- **علم اخلاق:** علم اخلاق از صفات فاضله و رذیله (خوب و بد) که از طریق کارهای اختیاری و ارادی در انسان قابل کسب هستند، بحث می کنند و چنین صفاتی موضوع علم اخلاق می باشند به نظر ائمه (ع) و عالمان اخلاق مسلمان، هدف علم اخلاق آراستن نفس به خلقهای پسندیده است و فعل پسندیده و کار نیک در واقع و سیله ای برای تحقق صفات راسخ نیکو در جان آدمی است. این دیدگاه ریشه در انسانشناسی خاص این عالمان دارد که گوهر وجودی آدمی را نفس و روح او دانسته و کمال انسان را نیز به کمالات روحی او می دانند (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۱۷). اما برخی از عالمان مغرب زمین، علم اخلاق را مربوط به رفتار آدمی می دانسته اند نه سجایا و صفات باطنی او. فولکیه می گوید: "علم اخلاق عبارت است از مجموع قوانین رفتار که انسان با عمل به آن می تواند به هدفش نایل آید." (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۱۸). ژکس نیز می نویسد: "علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی که باید باشد" (ژکس، ترجمه پور حسینی، ۱۳۶۲، ص ۹).
۲- **فلسفه علم اخلاق:** این شاخه معرفت که موضوعش علم اخلاق است به مباحثی نظیر تاریخچه علم اخلاق و تحولات آن، هدف از علم اخلاق، فایده آن، علمای بزرگ این علم و مسائلی از این دست می پردازد (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۲۰).
۳- **تعلیم و تربیت:** در این شیوه های علمی آراسته شدن به صفات نیکو و پسندیده و زدودن صفات زشت و ناپسند مورد بحث واقع می شود. به عبارت



دیگر، راههای سیر و سلوک برای وصول به اهداف و مقاصد عالی و اخلاق، منازل عرفا و اخلاق عملی علمای اخلاق، در این علم تبیین می گردد. مباحث این علم در کتابهای اخلاقی سنتی ما، در ضمن مباحث علم اخلاق ذکر شده است. ۴- اخلاق توصیفی: در این علم، اخلاقیات افراد، جوامع، ادیان و مکاتب خاص تنها توصیف و گزارش می شود مانند گزارش از اخلاقیات سرخ پوستان آمریکا، توصیف اخلاقیات دین اسلام یا بودایی و یا توصیف و گزارش از خصوصیات اخلاقی پیامبر اکرم (ص). توجه به این نکته لازم است از آنجا که این علم، صرفاً جنبه گزارش و توصیف دارد و در آن درستی و یا نادرستی خصوصیات اخلاقی مورد گزارش بحث نمی شود و هدف آن، توصیه به آراستن خود به اخلاقیات نیز نیست. - اخلاق فیلسوفانه: این شیوه اخلاقی عمدتاً با پذیرش و تأثیر پذیری از نظریه "اعتدال" و "حد وسط" به عنوان معیار کلی برای فضیلت اخلاقی، در مقابل "افراط و تفریط" که مشخصه رذیلت اخلاقی اند، تلاش می کند که تمام خوبی ها و بدی های اخلاقی را در قالب این فرمول توجیه و تبیین نماید. بدین روی چون منشأ رفتار انسان، قوا و ملکات نفسانی او است، زشتی و ریبایی اعمال و رفتار او معلول اعتدال قوای درونی است. در این روش، شناسایی قوای نفسانی و چگونگی اعتدال و افراط و تفریط در آنها، محور و مدار همه مباحث اخلاقی است. همچنین تلاش می شود همه مفاهیم اخلاقی دینی در همین قالب تفسیر و توجیه شود. توصیه اصلی این مکتب جهت تربیت اخلاقی، اعتدال بخشیدن به قوای درونی است (دیلمی، آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۲۰). ۶- اخلاق عارفانه: یعنی اخلاقی که عرفا و متصوفه مروج آن بوده اند. این نوع اخلاق که بیشتر تکیه بر تربیت اخلاقی و سیر و سلوک دارد، تلاش های زیادی را برای ترسیم یک نظام تربیتی و تعیین مبدا و مقصد آن و منازل و مراحل که در بین راه وجود دارد و وسایل و لوازمی که در هر منزل به کار مسافر این راه می آید، مصروف داشته است. محور اخلاق عارفانه، مبارزه و مجاهده با نفس است. در اخلاق عارفانه، مکاتب متعددی وجود دارد که در مقام ارزیابی این شیوه، ناگزیر باید به این امر توجه کرد. در یک تقسیم بندی کلی این مکتب را می توان در دو گروه جای داد:

الف. مکاتبی که در سلوک معنوی اصولاً پایبندی به شریعت را لازم ندانسته و یا تنها برای مدتی موقت و مرحله ای خاص لازم می دانند. ب. مکاتبی که پایبندی به احکام شرعی را تنها در راه رسیدن به مقامات عالی معنوی دانسته و آن را همواره لازم می دانند (دیلمی، آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱).

۷- اخلاق نقلی: یعنی اخلاقی که محدثان با نقل و نشر اخبار و احادیث در میان مردم به وجود آورده اند. در این شیوه، مفاهیم اخلاقی بر اساس آنچه که در کتاب و سنت آمده، بدون توجه جدی و کافی به تربیت واقعی حاکم بر آنها و مناسبات موجود بین آنها، بیان می گردد. این قبیل متون، بیشتر توصیف مفاهیم اخلاقی را و وجه همت خود قرار می دهند و به مبانی آنها و همچنین راهبرد های عملی، کمتر توجه می کنند. بنابراین قطعه شروع و ایان اخلاق و مخصوصاً تربیت اخلاقی چندان مشخص نیست. در این روش اخلاقی، چیزی به نام یک نظام اخلاقی که هم دربر گیرنده مباحث مبنایی اخلاق باشد و هم مباحث توصیفی و تربیتی را در یک ترتیب منطقی سامان داده باشد، به



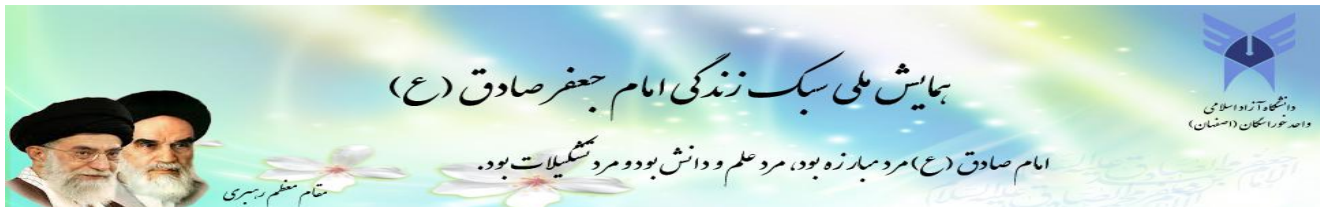
چشم نمی خورد (دیلمی و آذربایانی، ۱۳۸۵، ص ۲۲). ۸- فلسفه اخلاق یا فرا اخلاق: در علم اخلاق، قضایا و گزاره هایی مانند "ظلم کاری ناپسندی است"، "شجاعت و سخاوت از صفات خوب هستند"، "در امانت نباید خیانت کرد" و "وفای به عهد وظیفه هر انسانی است" بکار می رود ولی بررسی کلی مفاهیم که در این قضایا بکار می رود مانند ظلم، ایثار، شجاعت، خیانت در امانتداری، وفای به عهد و نظیر آنها که موضوع این قضایا هستند و نیز تحقیق در مورد مفاهیمی چون ناپسند، خوب، نباید، وظیفه و مانند اینها که محمول این گزاره ها می باشند. در علم اخلاق انجام نمی شوند (شیروانی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴). از طرف دیگر، برخی پرسشهای اساسی درباره قضایای اخلاقی وجود دارد که جای پاسخگویی به آنها در علم اخلاق نیست، سئوالاتی از قبیل اینکه آیا قضایای اخلاقی از امور واقعی حکایت دارند یا به قرار داد و اعتبار وابسته اند؟ ملاک اصلی ارزشهای اخلاقی چیست؟ افعال اخلاقی را چگونه می توان ارزیابی نمود؟ اخلاق مطلق است یا نسبی؟ بحث و بررسی این موارد به علم دیگری به نام "فلسفه اخلاق" نیاز دارد که گاه به آن "فرا اخلاق" نیز گفته می شود (شیروانی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۰). در مجموعه می توان گفت: فلسفه اخلاق عملی است که از مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق بحث می کند یعنی هم تصویرت و مفاهیمی را که در علم اخلاق و جملات آن به کار میدهند توضیح می دهد و هم مسائلی را که پرداختن به تصدیقات و جملات اخلاقی متوقف بر بررسی و حل آنها می باشد مورد بحث قرار می دهد (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۲۲).

بخشی از ابعاد نظری دیگاه امام صادق (ع) در راستای تربیت اخلاقی

با مروری اجمالی بر مباحث اخلاقی ارائه شده از سوی امام صادق (ع)، به چند محور اصلی می توان اشاره کرد:

- از منظر امام صادق (ع) حسن خلق از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که معادل با دینداری محسوب شده به گونه ای که ضعف اخلاق و عدول از دستورات اخلاقی، فرد را از حوزه مسلمانی خارج می کند: «ای شیعیان خاندان محمد (ص) بدانید که نیست از ما کسی که هنگام خشم خوددار نباشد و با هم صحبت خود با زبان خوش صحبت نکند و با هم کیش خود خوش خلقی ننماید و کسی که با او رفیق است، رفاقت نکند و با همسایه خود حسن همجواری ننماید... (بحار الانوار، ج ۷، ۷۴).

نگاهی به حدیث فوق و دیگر احادیث اخلاقی منقول از امام ششم نشان می دهد که در نظام اخلاقی مورد نظر امام صادق (ع)، رابطه ای نزدیک و دوجانبه بین ایمان و اخلاق برقرار شده است. ایشان در کلامی حسن خلق را وسیله به کمال رسیدن مومن و معبری برای نزدیکی انسان به خداوند می دانند: «خوی خوش همانا زیبایی و زیور دنیا و پاکی (از گناهان) در آخرت است و دین با آن کمال یابد و وسیله قرب به خداست ...» (مصباح الشریعه، ۱۳۷۷، ص ۷۰). اما در ادامه کلام، امام تأکید دارند که اخلاق نیکو نعمتی است که از جانب خداوند به اهل ایمان ارزانی می گردد: «این موهبت، جز به اولیا و برگزیدگان حق، ارزانی نشده است، زیرا خداوند دریغ دارد از این که الطاف خود و حسن خلق را جز نزد حامل نور جمال خویش به ودیعت نهد، چرا که هر کس خدای خود را



بهرتر بشناسد، شایسته داشتن این خصلت است و هیچ کس جز خداوند متعال به حقیقت حسن خلق پی نبرد.^۱ (مصباح الشریعه، ۱۳۷۷، ص ۷۰). تأمل در جملات فوق این نکته را به ذهن متبادر می سازد که اخلاق در معنی حقیقی آن، از راه ارتباط صمیمی و نزدیک بین انسان و خداوند حاصل می گردد^۲. از این رو، ادعاهای افرادی که دم از اخلاق و نظامهای اخلاقی غیرمعنوی و متکی به اندیشه بشری می زنند، معمولاً جنبه ظاهری و زودگذر داشته و چه بسا که نقابی برای پنهان نمودن منفعت طلبی های شخصی باشد.

- در نظام اخلاقی مورد نظر امام صادق (ع)، اخلاق نابی که با نور ایمان جلا یافته است، هم رضایت الهی^۳ و هم ترفیع جایگاه مومن در اجتماع را به دنبال دارد. در مورد ویژگی اخیر، امام صادق (ع) می فرماید: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانِ سَيِّدًا: كَظْمُ الْغَيْظِ وَالْعَفْوُ عَنِ الْمَسِيءِ وَالصَّلَاةُ بِالنَّفْسِ وَالْمَالِ؛ سه چیز است که در هر که باشد آقا و سرور است: خشم فروخوردن، گذشت از بدکردار، کمک و صله رحم با جان و مال^۴ (تحف القول، ص ۳۱۷). در این حدیث، امام صادق (ع) پس از برشمردن سه اصل بنیادین اخلاق اسلامی یعنی کنترل فردی در برابر خشم، عفو و خوش رفتاری با دیگران، ره آورد چنین اخلاقی را منزلت یافتن فرد در میان مردم می دانند^۵.

-یکی دیگر از ره آوردهای اخلاق حسنه، احساس رضایت از زندگی و ایجاد حس معناداری در زندگی است. امام صادق (ع) در حدیثی، لازمه زندگی خوشایند را اخلاق حسنه دانسته اند: «لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»؛ هیچ زندگی گواراتر از نیک خوئی نیست (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۷۱).

-دعوت به پیروی از اخلاق حسنه: نیاز به اخلاق حسنه یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد. حسن خلق آن قدر عظمت و ارزش دارد که هر کس به عمق و ژرفای آن نمی رسد، چنان که امام صادق (ع) فرمود: «لَا يَكُونُ حَسَنُ الْخُلُقِ إِلَّا فِي كُلِّ وَلِيٍّ وَ صَفِيٍّ وَ لَا يَعْلَمُ مَا فِي حَقِيقَةِ حَسَنِ الْخُلُقِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى»؛ (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳) صادق آل محمد (ص) در ادامه این موضوع به ثمرات و فواید اخلاق نیک اشاره نموده است و می فرماید: «حَسَنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»؛ (شیخ صدوق، ج ۷۱، ص ۳۹۵) خوی نیک باعث افزایش روزی می شود.

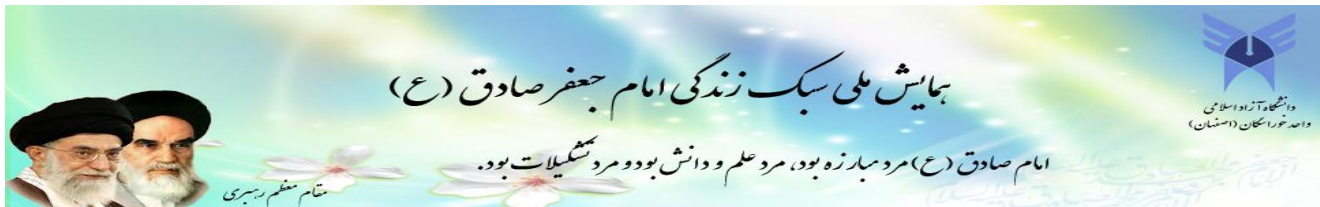
ویژگی های حسن خلق از منظر کلام امام صادق

۱- اخلاق رمز زندگی گوارا: آدم خوش اخلاق از بدنی سالم، روحیه قوی، زندگی گوارا و لذت بخشی برخوردار است و این توانایی در او هست که برای خویش زندگی سعادت مندانه ای را بسازد. در مقابل، آدم بد اخلاق در رنج و عذاب بسر می برد و زندگی ناگوار دارد. امام علی (ع): «سُوءُ الْخُلُقِ نَكِيدُ الْعَيْشِ وَعَذَابُ النَّفْسِ اخْلَاقُ بَدِ»

^۲ - «لَا يَكُونُ حَسَنُ الْخُلُقِ إِلَّا فِي كُلِّ وَلِيٍّ وَ صَفِيٍّ وَ لَا يَعْلَمُ مَا فِي حَقِيقَةِ حَسَنِ الْخُلُقِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى» (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۶)

^۳ - مَنْ كَظَّمَ غَيْظًا وَ لَوَّ شَاءَ أَنْ يَمْضِيَهُ أَمْضَاءً، أَمَّا اللَّهُ فَلَبَّيْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِضَاءً. (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۰) هر که خشمی رافرو خورد که بتواند آنرا اعمال کند (و دیگران را ببخشد) خدا روز قیامت دلش را از رضای خود پر کند.

^۴ - چنانچه می دانیم «سید» در لفظ عرب در معنای مجد و بزرگی، بزرگواری و شرافت به کار می رود.

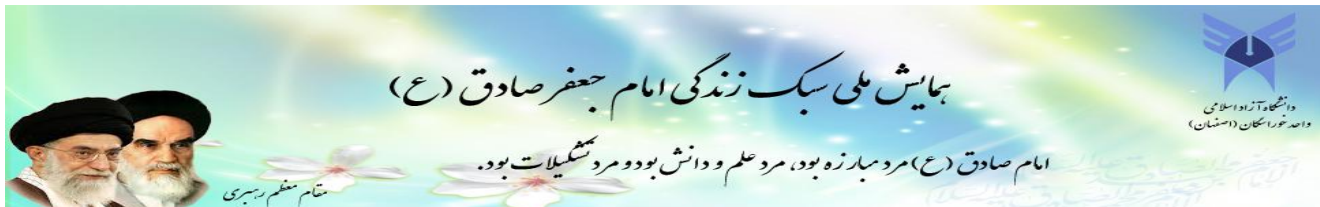


موجب سختی و تنگی زندگی و ناراحتی روح و وجدان می شود» (غررالحکم، ص ۱۱۳) هر کسی در حوزه فعالیت خود می تواند از طریق اخلاق خوب و خوش رویی، نیروی مثبت فراوانی را ایجاد کند، تاثیرهای مثبت زیادی را بر دیگران بگذارد، حرکت های مثبت بسیاری را به وجود بیاورد و بسیاری از مشکلات زندگی خود و دیگران را حل کند. آن حضرت فرمود: «لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ» (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۷۱) هیچ زندگی ای گواراتر از نیک خوئی نیست..» این حدیث به خوبی می رساند که اگر زندگی اجتماعی، خانوادگی و حتی انفرادی توأم با اخلاق باشد، برخوردار از شادی و نشاط و شادابی خواهد بود. جامعه و خانواده ای که اخلاق را مراعات نکنند، نشـــــــاط و شـــــــادابی از آن رخصـــــــت خواهد بـــــــست.

۲- اخلاق سرمایه زندگی: بعضی از ناآگاهان، مسائل اخلاقی را، به عنوان یک امر خصوصی در زندگی شخصی می نگرند، و یا آنها را مسائل مقدس روحانی و معنوی می دانند که تنها در زندگی سرای دیگر اثر دارد، در حالی که این یک اشتباه بزرگ است اکثر مسائل اخلاقی بلکه همه آنها، آثاری در زندگی اجتماعی بشر دارد، اعم از مادی و معنوی، و جامعه انسانیت منهای اخلاق به باغ وحشی تبدیل خواهد شد که تنها قفسها می تواند جلو فعالیتهای تخریبی این حیوانات انسان نما را بگیرد، نیروها به هدر خواهد رفت، استعدادها سرکوب خواهد شد، امنیت و آزادی بازیچه دست هوسبازان می گردد و زندگی انسانی مفهوم واقعی خود را از دست می دهد. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِنْ أُجِّلَتْ فِي عُمْرِكَ يَوْمَيْنِ فَاجْعَلْ أَحَدَهَا لِأَذْبِكَ تَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى يَوْمِ مَوْتِكَ» (اصول کافی، ج ۸، ص ۱۵۰) اگر از عمرت تنها به میزان دو روز مهلت داده شدی، یک روزش را برای ادب خود اختصاص بده تا با برای روز مـــــــرگ از آن کمـــــــک بگـــــــیری..»

۳- اخلاق نشانه بزرگواری: مکارم اخلاق نشانه بزرگواری و کرامت نفس و مایه تعالی معنوی و تکامل روحانی است. در پرتو مکارم اخلاق، انسان از قیود خودپرستی و خوی حیوانی رهایی یافته و بر غرائز و تمایلات نفسانی خویش غلبه می کند، دگردوستی و حس فداکاری در نهادش شکوفا می گردد، و از کمالاتی که لایق مقامش است برخوردار می شود. (حداد، ۱۹۹۶، ص ۲۹۱) رسول خدا (ص): اخلاق نیکو نشانه بزرگواری ریشه ها و اصل و نسب انسان است. (اصول کافی، جلد ۲، ص ۱۸۸). امام صادق (ع) فرمود: «ثَلَاثَةٌ تَدُلُّ عَلَى كَرَمِ الْمَرْءِ: حُسْنُ الْخُلُقِ وَكَظْمُ الْغَيْظِ وَغَضُّ الطَّرْفِ» (تحف العقول، ج ۳۴، ص ۵۷۴) سه چیز نشانه بزرگواری انسان است: خوش اخلاقی، فرو بردن خشم و فرو پوشیدن چشم..» این حدیث به خوبی نشان می دهد که خوش اخلاقی، از نشانه های بزرگواری فرد است.

۴- اخلاق زینت اسلام: امام صادق علیه السلام: «إِنَّ مِمَّا يُزِينُ الْإِسْلَامَ الْأَخْلَاقُ الْحَسَنَةُ فِيمَا بَيْنَ النَّاسِ» خوش اخلاقی در بین مردم زینت اسلام است. نکته اخلاقی این حدیث شریف این است که پیروان یک دین در بین خود رفتار نیک داشته باشند و خوش اخلاق باشند این کار باعث زینت دین می شود و باعث می شود که مردم جذب این دین شوند و خداوند هم در قرآن فرمود: ای پیامبر اگر تو خوش اخلاق نبودی مردم از اطراف تو پراکنده می شدند و خود امام



صادق (ع) فرمود: مایه ای زینت ما باشید و مایه ای سر افکندگی ما نباشید. پس بنابراین خوش اخلاقی در جذب افراد به کار های نیک خیلی موثر است. (کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۴۳، ح ۲۸۷۳۱)

۵- اخلاق تقویت سلامتی و سعادت: آدم خوش اخلاق از بدنی سالم، روحیه قوی، زندگی گوارا و لذت بخشی برخوردار است و این توانایی در او هست که برای خویش زندگی سعادت مندانه ای را بسازد. در مقابل، آدم بد اخلاق در رنج و عذاب بسر می برد و زندگی ناگواری دارد. خوش اخلاق بودن آثار بسیار گران بهایی بر زندگی این جهانی انسان می گذارد. در چند روایتی که از حضرت صادق آل محمد (ع) در این باره نقل شده، آمده است: خوش اخلاقی زندگی را برای انسان ها گوارا می کند. هیچ زندگی ای گواراتر از زندگی همراه با خوش اخلاقی نیست. هر کسی که خلقتش نیکو شد، مشکلات و ناهمواری های زندگی برایش هموار می شود و راه های زندگی برایش آسان می گردد. (علی (ع) فرمود: من حسن خلقه سهلت له طرقة) (غررالحکم، ج ۵، ص ۳۰۶).

۶- اخلاق تقویت پیوند دوستی: انسان با قدرت اخلاق می تواند دوستان فراوانی برای خود بیابد. خوش اخلاقی پیوندهای دوستی را محکم و پایدار می کند. یکی از عوامل مهم دوست یابی گشاده رویی و خوش اخلاقی است. آیا شما حاضرید با یک فرد بد اخلاق و پر خاش گر دوست شوید؟ اگر با چنین فردی دوستی کنید، چه مقدار از این رابطه خود لذت می برید؟ افراد بد اخلاق معمولاً تنها می مانند و دوستان بسیار کمی دارند و انسان های خوش اخلاق، یاران فراوان و روابط دوستانه صمیمانه و پایدارتری دارند. برخی افراد گله می کنند که چرا قادر نیستند برای خود دوستی بیابند و یا دوستان خود را حفظ کنند. چرا پیوند های دوستی آنان زود گسسته می شود؟ خوب است این افراد پاسخ سوال خود را در نوع برخورد و اخلاق خود جستجو کنند. هر کسی که یاری می طلبد دوست می دارد با افرادی که خوش رو هستند و اخلاقی نرم و جذاب دارند، پیوند دوستی و صمیمیت برقرار کند. پیامبرگرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به این موضوع اشاره کرده و فرموده است. کسی که اخلاقتش نیکو باشد، دوستانش فراوان می شوند و مردم به او انس می گیرند. من حسن خلقه کثر محبوه و انسست النفوس (غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۰۶) خوشرویی دوستی را پایدار می کند. حسن الخلق یثبت الموده (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۵).

۷- اخلاق مقدمه عقلانیت: احادیث بسیاری در این باره از امام علی علیه السلام نقل شده است که در آنها فضایل اخلاقی و اعمال ارزشی از اسباب تقویت عقل بر شمرده شده و در مقابل رذایل اخلاقی و گناهان از اسباب تضعیف عقل بیان شده است. امام در این باره می فرمایند: «با شهوت مبارزه کن، و بر خشم پیروز شو، و با عادت زشتت مخالفت کن تا نفست پرورش یابد و عقلت کامل شود» (غررالحکم، ص ۷۳) همچنین فرموده اند: «آن که خود را از مواهب دنیا بی نیاز کند، عقل را کامل کرده است» (غررالحکم، حدیث ۸۹۰۴، ص ۷۳). نکته مهمی که از این احادیث می توان استفاده کرد؛ یعنی اگر آدمی به مقتضای عقل اندک خویش عمل نکند و مرتکب رذایل و گناهان گردد، همان عقل اندک نیز تضعیف و در نهایت نابود می گردد یعنی: صم بکم عمی فهم لایعقلون. (سوره بقره/ ۱۷۱). بر این اساس آدمی می تواند با عقل خویش اخلاقتش را تقویت کند و با اخلاق خویش، عقلش را کامل کند. همانطور

همایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

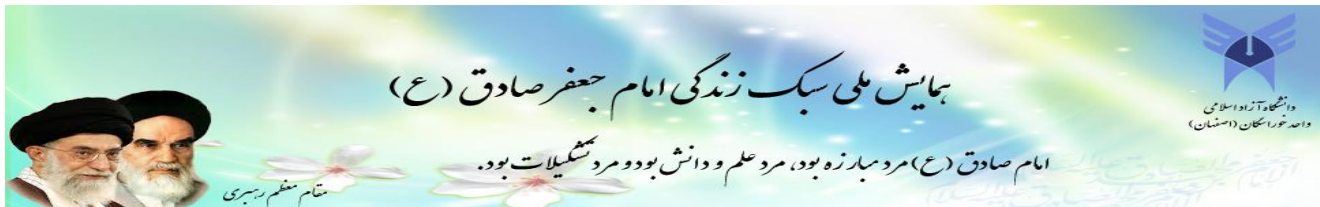
که می تواند باعث تضعیف و نابودی عقل و اخلاق خویش گردد. حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «ثَلَاثَةٌ يَسْتَدَلُّ بِهَا عَلَىٰ إِصَابَةِ الرَّأْيِ: حُسْنُ اللَّقَاءِ وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ وَحُسْنُ الْجَوَابِ» (تحف العقول، ج ۳۴، ص ۵۸۲) سه چیز نشانه درست اندیشی است: خوش برخوردی، خوب گوش دادن و نیکو پاسخ دادن.. این حدیث بیش از هر کس، واعظان و عالمان جامعه را هدف قرار داده است؛ زیرا برای هدایت مردم هم خوش برخوردی لازم است و هم توجه به سخنان و درد دل های مردم و هم نیکو جواب دادن به سؤال دیگران.

۸- اخلاق و دیعه الهی به برگزیدگان الهی: «ولا يكون حسن الخلق إلا في كل ولي و صفي لأن الله تعالى ابي ان يترك الطافه و حسن الخلق الا في مطايا نوره الا على و جماله الا زكي: و نمی باشد خلق نیکو مگر در دوستان خدا و برگزیدگان پروردگار عالم، چرا که حضرت حق نخواسته است که در روز ازل الطاف خود را و خلق نیکو را در همه کس بگذارد مگر در کسانی که متحمل نور او باشند و دل خود را به نور الهی مصفی نموده باشند». پیامبر اکرم (ص) فرموده است: « و إن أشبهكم بي أحسنكم خلقا: شبیه ترین شما به من خوش خلق ترین شماست» (بحار الانوار ج ۷۰، ص ۲۹۶).

در یک کلام حُسن خلق آنقدر عظمت و ارزش دارد که هر کس به عمق و ژرفای آن نمی رسد، و به هر کس عنایت نمی شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «ولا يكون حُسن الخلق إلا في كلِّ ولي و صفي... ولا يعلم ما في حقیقه حُسن الخلق إلا الله تعالى» (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳) و حسن خلق یافت نمی شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان [خداوند] ... و آنچه در حقیقت خلق نیکو است جز خداوند متعال کسی نمی داند.. خوی نیک از اوصاف انبیاء است. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الصَّبْرَ وَالْبِرَّ وَحُسْنَ الْخُلُقِ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ» (المواعظ العديده، ص ۲۲۷) به راستی صبر و نیکوکاری، و خوش خوئی از اخلاق انبیا است..

۹- نمونه های عینی از مکارم اخلاق: حضرت صادق علیه السلام تنها به بیان اهمیت و ارزش اخلاق بسنده نکرده؛ بلکه برای ثمر بخش بودن آن در جامعه، به بیان موارد و مصداق های عینی آن نیز پرداخته است تا اینکه مسئله مذکور ملموس تر و محسوس تر شود. حال به ارائه چند روایت در این زمینه می پردازیم:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ خَصَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَأَمْتَجِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ ، وَارْتَعَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا» (میزان الحکمه، ص ۱۷۰) براستی خداوند تبارک و تعالی، پیغمبرش را به فضایل اخلاقی مخصوص کرد. پس خود را آزمایش کنید؛ اگر [مکارم اخلاق] در شما یافت شد، پس ستایش الهی را به جا آورید، و از او بخواهید که بیشتر به شما عنایت فرماید..» راوی گوید: حضرت آن گاه شروع کرد به بیان مصداق هایی از مکارم اخلاق و آن را در ده مورد تبیین نمود که: «الْيَقِينُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَالْحِلْمُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالسَّخَاءُ وَالْغَيْرَةُ وَالشُّجَاعَةُ وَالْمُرُوَّةُ» (میزان الحکمه، ص ۱۷۰) یقین، قناعت، بردباری، سپاس گذاری، خویشترن داری، خوش برخوردی، سخاوت مندی، غیرت، شجاعت و جوانمردی..» موارد فوق از مهم ترین فضایل اخلاقی است که می تواند خانواده، جامعه و حتی تمام جهانیان را به سعادت و خوشبختی برساند. گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته است، و ارتباط داشتن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است، و عطا نمودن به کسی که تو را محروم ساخته، و سخن حق گفتن هر چند بر ضررت باشد



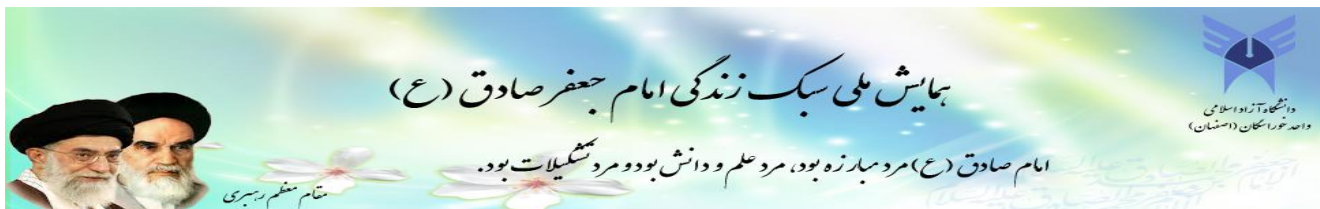
۲. آن حضرت در مورد علائم اهل بهشت فرمود: «إِنَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عِلَامَاتٍ، وَجْهٌ مُنْبَسِطٌ، وَلِسَانٌ لَطِيفٌ وَ قَلْبٌ رَحِيمٌ وَ يَدٌ مُعْطِيَةٌ؛ (المواعظ، ص ۲۳۰) اهل بهشت چهار نشانه دارند: سیمای گشاده، زبان نرم و مهربان، قلب مهربان و دست بخشش دهنده..»

۳. از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد که مکارم اخلاق چیست؟ حضرت در جواب فرمود: «الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَصِلَةُ مَنْ قَطَعَكَ، وَإِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ وَقَوْلُ الْحَقِّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِكَ؛ (میزان الحکمه، ص ۱۷۰) گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته است، و ارتباط داشتن با کسی که با تو قطع رابطه کرده است، و عطا نمودن به کسی که تو را محروم ساخته، و سخن حق گفتن هرچند بر ضررت باشد..»

۴. شخصی از حضرت علیه السلام درباره حد و اندازه خوشخویی و خوش برخوردی پرسش نمود و حضرت در پاسخ فرمود: «تَلِينُ جَانِبِكَ وَتَطْيِبُ كَلَامِكَ وَتَلْقَا أَحَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ؛ (میزان الحکمه، ص ۱۷۰) به نرمی [و مهربانی] برخوردنمایی، پاکیزه سخن بگویی و باچهره نیکو برادرت را ملاقات کنی..»

۱۰- ثمرات خوش خلقی: خوش اخلاقی، عنصری کلیدی در دینداری و عاملی مهم در موفقیت انسان است. شاید مهم ترین ویژگی رسول خدا صلی الله علیه وآله، اخلاق برتر اوست که در قرآن نیز بدان اشاره شده است: «به راستی که تو دارای اخلاق عظیم هستی». قرآن با تمجید نرم خوئی رسول خدا صلی الله علیه وآله، تأکید می کند که اگر ایشان تندخو می بود، مردم از اطرافش پراکنده می شدند. خوش اخلاقی، در سیره اجتماعی پیامبر اکرم، از جایگاه والایی برخوردار است؛ به گونه ای که رسول خدا صلی الله علیه وآله، هدف رسالت خود را کامل کردن ویژگی های والای اخلاقی و در روایتی دیگر، کامل کردن خوش اخلاقی دانسته است تا آنجا که فرموده است: «اسلام همان اخلاق نیک است». آن حضرت در برخی روایات نیز اخلاق نیک را نصف دین دانسته اند.

۱۱- فراوانی رزق: آدم خوش اخلاق توانایی اش برای بدست آوردن روزی بیشتر از دیگران است. نقش اخلاق خوش و خوش رویی در تقویت روزی به راحتی قابل درک است. شما هنگامی که می خواهید برای منزل خود چیزی تهیه کنید، از چه کسی خرید می کنید؟ از کسی که خوش اخلاق است یا بد اخلاق؟ هیچ کس از آدم بد اخلاق خوشش نمی آید و دوست ندارد با او معامله کند. اگر در یک محله، به طور مثال، دو میوه فروش خوش اخلاق و بد اخلاق وجود داشته باشد، به طور قطع فرد خوش اخلاق مشتری بیشتری جذب می کند تا فرد بد اخلاق. یک کارمند خوش رو و خوش برخورد، امکان استخدام بیشتری دارد تا یک کارمند بد اخلاق و خشن. این موضوع کاملاً روشن است و نیاز به توضیح بیشتر ندارد. در آموزه های دینی ما هم به آن اشاره شده است. پیامبر اکرم فرموده: خداوند به انسان خوش خلق، ثواب مجاهد در راه خدا را می دهد و مدارا و مهربانی و خوش خلقی، مبارک (و سبب جلب نعمت) و بد خلقی، شوم است (و سبب تنگدستی می گردد) (إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۵۷). امام صادق علیه السلام فرمود: خوش اخلاقی روزی را زیاد می کند (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۵). تأثیر همدلی، ملایمت و خوش رفتاری در جلب و افزایش روزی، محدود به دیوارهای خانه و اهل خانه نیست، بلکه خوش رفتاری با همسایه ها و اهل محل نیز عاملی مؤثر برای افزایش روزی است. امام صادق (ع) نیز در این باره می



فرمایند: «خوش رفتاری با همسایه، موجب افزایش روزی است» (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۶) امام صادق (ع) فرمود: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (بحار الانوار، ج ۷۱، صص ۳۹۵-۳۹۶) خوی نیکو باعث فراوانی روزی می شود.

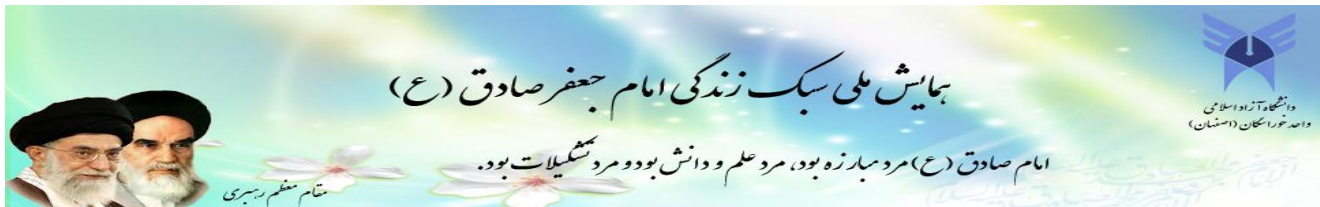
۱۲- طولانی شدن عمر: امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْبِرَّ وَحُسْنَ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ» (میزان الحکمه، ص ۱۷۱) براستی نیکی و خوش خلقی باعث افزایش [و طولانی شدن] عمرها می شود. در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام شیعیان را به خوشرفتاری با خانواده سفارش نموده و آن را موجب طولانی شدن عمر می داند و می فرماید: «مَنْ حَسَّنَ بَرَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ زِيدَ فِي عُمْرِهِ» (کافی، ج ۸، ص ۲۱۹) هر کس با خانواده خود خوشرفتاری کند، عمرش طولانی می شود. اخلاق پسندیده موجب آبادی جامعه و طولانی شدن عمر می شود. امام صادق - علیه السلام - می فرماید: «نیکوکاری و حُسن خُلُق، خانه ها را آباد کند و بر عمرها بیفزاید» (اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵۷).

۱۳- پاک شدن گناهان: خوش اخلاقی نیز سبب بخشوده شدن گناهان می شود. چنانچه از امام صادق علیه السلام نقل شده است، خوش اخلاقی مانند حرارت خورشید، گناهان را از بین می برد (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۴۲). شخصی که خوش اخلاق است هم دیگران از وی در آسایشند و هم باعث بخشودگی گناهانش می باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «چهار چیز است که هر کس داشته باشد اگر سرتاپا غرق گناه باشد، خداوند آن گناهان را به حسنه و نیکی تبدیل می کند؛ راستی، شرم، خوش اخلاقی و سپاس گزاری» (مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۵۷).

۱۴- زینت دنیا و آخرت: حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام می فرماید: «الْخُلُقُ الْحَسَنُ جَمَالٌ فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَةٌ فِي الْآخِرَةِ وَبِهِ كَمَالُ الدِّينِ وَقُرْبُهُ إِلَى اللَّهِ وَلَا يَكُونُ حُسْنُ الْخُلُقِ إِلَّا فِي كُلِّ وَوَلِيٍّ وَصَفِيٍّ» (بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۹۳) خلق نیکو در دنیا موجب زیبایی، و در آخرت گشایش است و مایه کمال در دین و نزدیکی به پروردگار است. و حسن خلق نیست مگر در وجود دوستان و برگزیدگان [خداوند].

۱۵- ثواب بی پایان: امام صادق علیه السلام در فرازی دیگر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُعْطِي الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ كَمَا يُعْطِي الْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَغْدُوا عَلَيْهِ وَيَرُوحُ» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۱) خداوند بر نیک خویی بنده، پاداشی را عطا می کند که به مجاهد در راه خودش که در هر صبح و شب می جنگد [و همیشه در جهاد است] می بخشد. امام صادق (ع): "خدا ثوابی را که به حُسن خلق بنده می دهد مانند ثواب کسی است که هر صبح و شام در راه خدا جهاد کند" (اصول کافی، ج ۴، ص ۴۸۱).

پیامدهای زیان بار بدخلقی از دیدگاه امام جعفر صادق



در منابع دینی پیامدها و ضررهای زیانبار بدخلقی نیز بیان شده است تا مردم بیشتر به اخلاق نیک اهمیت دهند و از اخلاق زشت رویگردان باشند. در این زمینه نیز رئیس مکتب جعفری، سخنان بیدارگر، هشدار دهنده و ارزشمندی دارد که در ذیل می خوانیم:

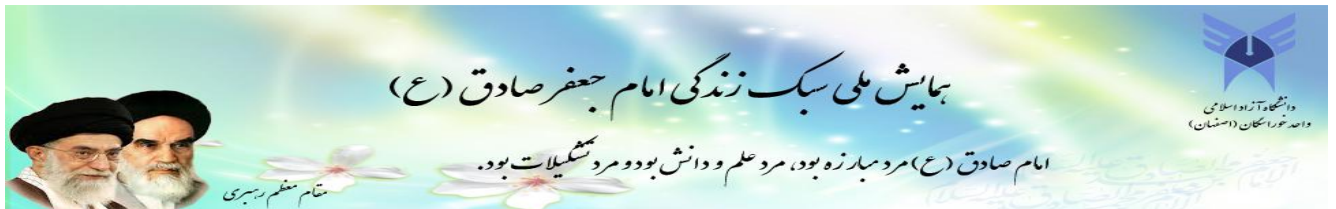
- **بدخلقی تباه کننده عمل:** حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ سَوْءَ الْخُلُقِ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَيْلُ الْعَسَلُ» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۱) همچنان که سرکه عسل را تباه می کند، بدخلقی نیز عمل را تباه می کند. و در روایت دیگر به جای کلمه «العمل» تعبیر «لَيُفْسِدُ الْإِيْمَانَ» (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۴) به کار رفته است؛ یعنی بدخلقی ایمان را تباه می سازد که در این صورت خطر آن دوچندان خواهد شد؛ زیرا ایمان ریشه و اساس انسانیت را تشکیل می دهد و آسیب دیدن آن ضررهای جبران ناپذیری را در پی دارد.

- **خارج شدن از گروه شیعیان واقعی:** امام صادق علیه السلام رعایت اصول اخلاقی و توجه به آداب انسانی و خوش برخوردی را از ویژگیهای مکتب تشیع دانسته و آن را بر شیعیان راستین لازم شمرده، و بر اجتناب از بدخلقی پای فشرده است؛ آنجا که می فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقَّرْ كَبِيرَنَا وَلَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا» (بحار الانوار ج ۷۵، ص ۱۳۸) از ما نیست کسی که بزرگ ترهایمان را احترام نکند و به کوچک ترهایمان ترحم ننماید.

نتیجه گیری

اگر بپذیریم که روح انسان مانند جسم او سلامت و بیماری دارد^۱ و از مهم ترین بیماری های روحی، وجود رذیلت های اخلاقی است، آنگاه درمان بیماری «سوء اخلاق» از مهمترین اهداف هر جامعه تعالی گرا، خواهد بود. چنان که برای حفظ سلامت بدن، آشنایی با ویژگی های بدن سالم، بیماری ها، علل آنها و راه های درمان ضروری است، برای حفظ سلامت روح نیز آشنایی با ویژگی های روح سالم، بیماری های روحی، علل آنها و راه های درمان آنها ضروری است و علمی که عهده دار بیان صفات و رفتار های پسندیده و ناپسند و راه های درمان صفات ناپسند است، علم اخلاق و تربیت اخلاقی است. بنابراین سعادت فردی و اجتماعی انسان در گرو پاکسازی و تهذیب نفس از آلودگی ها و آراستن آن به فضائل اخلاقی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز هدف رسالت و بعثت خود را به کمال رساندن بزرگواری ها و مکارم اخلاقی شمرده و فرموده است: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ همانا مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را به کمال برسانم. یکی از امامان بزرگ که در مکتب تشیع به طور مشخص از تربیت اخلاقی سخن گفته امام جعفر صادق (ع) است، نظرات وی در باب تربیت اخلاقی با پیروی از پیامبران اسلام منبعی سرشار برای تربیت اخلاقی است و با مطالعه آن می توان نکات تربیتی ارزشمندی استخراج و در اختیار مریبان قرار داد. امام صادق (ع) در مورد اخلاق می فرماید: «اخلاق بخششی است که خدای عزوجل به مخلوقاتش عطا می

^۱ - به همین سبب، خداوند متعال روح منافقان را بیمار دانسته و درباره آنها می فرماید: فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا: روح و قلب آنان بیماری است پس خداوند بر بیماری آنها بیافزاید.



کند و بخشی از آن غریزی و فطری و برخی از آن (وابسته) به نیت (آدمی) است (یعنی با تصمیم و اکتساب و تمرین حاصل می شود و غریزه و فطرت ثانوی می گردد) و با مطالعه سیره تربیتی آن حضرت می توان این طور برداشت کرد که: تربیت اخلاقی همان پاک کردن غبار فراموشی از فطرت انسانی است و از طرف دیگر پرورش استعداد های نهفته وی برای کسب فضایل اخلاقی است و واداشتن نفس انسانی به تمرین و ممارست در آنچه به خوبی و خیر اخلاقی تعبیر می شود و انسان را به سوی رشد و تعالی الهی رهنمون می سازد و دوری از آنچه انسان را از خداوند و سعادت ابدی دور می سازد، می باشد. تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع) توحید مدار، تقوا محور و فطرت مدار است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۵۷.

اسکندری، حسین و ژاله کیانی (۱۳۸۶)، تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه ورزی و پرسش گری دانش آموزان فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ش ۷

اصول کافی، جلد ۲، ص ۱۸۸. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۸۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۶. اصول کافی، ج ۸، ص ۱۵۰. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۵۷.

بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۴۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۶. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۵. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۰۵. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۲۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۵. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۵-۳۹۶. بحار الانوار، ج ۷، ص ۷۴. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۹۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۸.

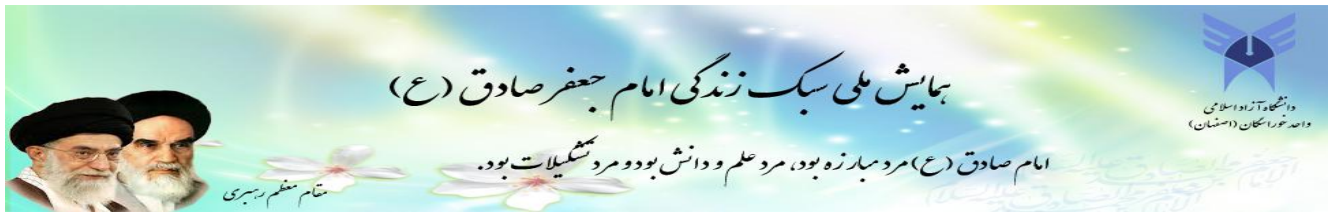
بناری، علی همت. (۱۳۷۹). امام علی (ع) و تربیت فرزند (۴)، فرهنگ کوثر، ۱۳۷۹، شماره ۳۷.

تحف العقول، ج ۳۴، ص ۵۷۴. تحف العقول، ج ۳۴، ص ۵۸۲. تحف العقول، ص ۲۵. تحف القول، ص ۳۱۷.

داودی، محمد. (۱۳۸۸). مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی. قم: انتشارات حکمت.

شریعتمداری، ع. (۱۳۸۱). نقد و خلاقیت در تفکر، چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

شیخ صدوق، ج ۷۱، ص ۳۹۵.



شیروانی، علی (۱۳۸۵). **نهج الفصاحه**، تهران: انتشارات دارالفکر.

صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۶.

صغیری، م. (۱۳۷۴). آموزش و پرورش. چاپ اول، تهران: انتشارات پرواز.

طباطبایی، محمد حسین و مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، **اصول فلسفه و روش رئالیسم**، تهران: انتشارات صدرا.

غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۰۶. غرر الحکم، حدیث ۸۹۰۴، ص ۷۳. غرر الحکم، ص ۱۱۳. غرر الحکم، ص ۷۳. غرر الحکم، ج ۵، ص ۳۰۶.

کافی، ج ۸، ص ۲۱۹.

کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۴۳، ح ۲۸۷۳۱.

مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۳۳..

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲)، **میزان الحکمه**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۵۷. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۳.

مصباح الشریعه، ۱۳۷۷، ص ۷۰. مصباح الشریعه، ۱۳۷۷، ص ۷۰. مصباح الشریعه، ۱۳۷۷، ص ۷۰.

مظلومی، رجبعلی (۱۳۶۴). **تربیت از دیدگاه معصومین (ع)**، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

المواعظ العددیه، ص ۲۲۷. المواعظ، ص ۲۳۰.

میزان الحکمه، ص ۱۷۰. میزان الحکمه، ص ۱۷۱.

نراقی، مهدی (۱۳۸۶). **علم اخلاق اسلامی** تهران: انتشارات حکمت.

نیلی پور، مهدی (۱۳۸۶). **بهشت اخلاق**، ج ۱، ج ۲، قم: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر (عج).

وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۷۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۷۱.